

4 الگوی ازدواج موفق



اسلام در کنار توصیه های علمی به ازدواج، الگوهای عملی موفق را نیز معرفی می کند که ما به چهار نمونه از این الگوها اشاره می کنیم که درنخستین بخش الگوی ازدواج یک پیامبر و یک امام (ع) به تصویر کشیده شده اند که در آنها صفا و پاکی در عالی ترین وجه ظهور یافته است.

4 الگوی ازدواج موفق / 7 نکته جالب از ازدواج حضرت موسی (ع)
 خبرگزاری مهر- اسلام در کنار توصیه های علمی به ازدواج، الگوهای عملی موفق را نیز معرفی می کند که ما به چهار نمونه از این الگوها اشاره می کنیم که درنخستین بخش الگوی ازدواج یک پیامبر و یک امام (ع) به تصویر کشیده شده اند که در آنها صفا و پاکی در عالی ترین وجه ظهور یافته است.
 چهار الگوی ازدواج موفق برای جوانان

اسلام در کنار توصیه های علمی به ازدواج، الگوهای عملی موفق را نیز معرفی می کند که ما به چهار نمونه از این الگوها اشاره می کنیم: درنخستین الگو ازدواج یک پیامبر به تصویر کشیده که در آن صفا و پاکی در عالی ترین وجه ظهور یافته است.

در دومین الگو با ازدواج ساده و بی آلایش حضرت امیر(ع) برترین شاگرد پیامبر اکرم (ص) و دختر پیامبر یعنی حضرت فاطمه (ع) آشنا می شویم که نشانگر بروز و ظهور درس زندگی اسلامی در سیره عملی پیشوایان ما است.

نمونه سوم گویای آن است که دامنه آموزه های پیامبر خدا(ص) از حوزه اطرافیان نزدیک فراتر رفته و صحابه را نیز دربر گرفته است. به عبارت روشن تر این دست نمونه ها نشاندهنده اهتمام فراوان پیامبر اکرم (ص) برگسترش فرهنگ اسلامی در میان عموم مردم است که از این جهت برای هیچ کس عذری دربی اعتنایی به سنت های دینی باقی نگذاشته است.

نمونه چهارم به خوبی نشان می دهد که تعلیمات پیامبر(ص) می تواند پس از گذشت قرن ها میان عالمان دینی به عنوان راهنمای مردم حضور داشته باشد و علم و فضیلت و کمالات معنوی به جای ثروت، قدرت، جاه و شکوه ظاهری دنیوی، ارزش های واقعی به حساب آیند و در رفتارهای اجتماعی- از جمله در عرصه انتخاب همسر- خودنمایی کنند.

در این قسمت به دو الگوی ازدواج حضرت موسی(ع) و دختر حضرت شعیب(ع) و ازدواج امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) پرداخته می شود.

1- ازدواج موسی (ع) و دختر شعیب (ع)

قرآن کریم فرار حضرت موسی (ع) از مصر به خاطر کشتن یکی از قبطیان و ورودش به دیار شعیب، ملاقاتش با دختران حضرت شعیب، یاری رساندن به آنان در سیراب کردن گوسفندان و ازدواجش با یکی از دختران حضرت شعیب را به تصویر کشیده است.

گرچه محوراصلی ماجرا ارائه تصویری از مقدمات رسالت موسی (ع) است؛ اما درکنار آن نکات درس آموزی درباره معیارهای همسر شایسته ارائه شده است. آیات ناظر به این موضوع را مرور می کنیم.

و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را برآن یافت که دام های خود را آب می دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که گوسفندان خود را دور می کردند، موسی گفت: «منظورتان از این کار چیست؟« گفتند: «ما به گوسفندان خود آب نمی دهیم تا شبان ها همگی گوسفندان شان را برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است.« پس برای آن دو گوسفندان را آب داد. آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت: «پروردگارا من به هر چیزی که به سویم بفرستی، سخت نیازمندم.«

پس یکی از آن دو زن درحالی که به آزرگام برمی داشت، نزد وی آمد و گفت: «پدرم تو را می خواهد تا به تو پاداش آب دادن گوسفندان برای ما، را دهد.« و چون موسی نزد او سرگذشت خود را بر او حکایت کرد وی گفت: «نترس که از گروه ستمگران نجات یافتی.« یکی از آن دو دختر گفت: «ای پدر او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی؛ هم نیرومند و هم درخور اعتماد است.« شعیب گفت: «من می خواهم یکی از این دو دختر خود را که مشاهده می کنی به نکاح تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کارکنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است، و نمی خواهم بر تو سخت بگیرم و مرا انشاء الله از درستکاران خواهی یافت.« موسی گفت: «این قرارداد میان من و تو باشد که هر یک ازدومدت

را به انجام رساندم. برمن تعدی روا نباشد، و خدا بر آنچه می گویم وکیل است.»

هفت نکته از این داستان

1- دختران شعیب پیامبر در اطراف شهر مدین، مانند مردم به چرای گوسفندان اشتغال داشتند، آنان پیری و ناتوانی پدر را دلیل کار خود اعلام کردند. گویای این نکته مهم است که دین با حضور زنان در اجتماع و برعهده گرفتن کارهای دشوار- همچون شبانی گوسفندان- مخالفتی ندارد.

2- از جمله #171; لا نسقی حتی یصدر الرعاء» برمی آید که دختران شعیب ضمن حضور در اجتماع مردان، از اختلاط و همدوشی با آنانکه مستلزم شکستن حریم الهی است اجتناب می کردند. منش دختران شعیب رعایت شرم، آزر و حیا بود. براین اساس، زنان با رعایت اصل #171; عدم اختلاط» و اصل #171; عفت و حیا « آزادند مسئولیت های جاری زندگی را برعهده بگیرند.

3- موسی جوان مجردی که تنها در بیابان راه می پیمود، به دختران شعیب رسید و بی آنکه تحت تاثیر هوای نفسانی باشد با کمال عفت و پاکدامنی با آنان سخن گفت، این امر نشان می دهد که سخن گفتن دختران و پسران با یکدیگر اگر با هدفی معقول و به دوازده هوس های شیطانی باشد، بی اشکال است.

4- روح جوانمردی در رفتار موسی با یاری رساندن به دختران شعیب با وجود خستگی و گرسنگی زیاد و بدون هیچ چشم داشت مادی، موج می زند. او با این کار نشان داد که انسان بزرگ و با فتوت است.

5- درباره جمله #171; رب بما انزلت الی من خیر فقیر»؛ پروردگارا من به هر خیری که به سویم بفرستی، سخت نیازمندم. گفته اند چون موسی(ع) بسیار گرسنه بود، پس از یاری رساندن به دختران شعیب، زیر سایه درختی رفت و از خدا خواست مثنی خرما یا تکه ای نان به او ارزانی دارد.

این امر نشان می دهد حضرت هنگام ترک کاخ فرعون و دیار مصر تمام آنچه داشت را رها کرد و هیچ مالی به همراه نداشت، با این حال در کنار کسب امنیت، همسری شایسته نصیبش شد و از زندگی لذت بخش بهره مند گشت. این امر گویای تحقق وعده الهی است که پیش از این نیز از آن یاد کردیم؛ اینکه با لطف خود همسران فقیر را بی نیاز می سازد.

6- شعیب پیامبر با دیدن موسی(ع) و ارزیابی شخصیت انسانی و اخلاقی او، ازدواج با یکی از دخترانش را پیشنهاد کرد، با آنکه این امر خلاف عادت است؛ زیرا خواستگاری باید از سوی داماد باشد؛ نه پدر عروس. این امر نشان می دهد که از نظر قرآن آنجا که انسان به دامادی شایسته و برخوردار از سجایای اخلاقی برمی خورد و خود نیز دختری هم کفو و شایسته دارد بسیار بجا و نیکو است که خود پیشدستی کند و با پیشنهاد ازدواج، مقدمات این پیوند را فراهم آورد.

7- مهریه از شرایط ازدواج و هدیه است که خداوند بر عهده گرفتن و پرداخت آن را از سوی مردان لازم دانسته است. در این ماجرا چون شعیب می دانست موسی(ع) توان مالی ندارد و با واگذاری مسئولیت اداره امور زندگی اش به مدت 8 سال یا 10 سالی (در عین تحفظ بر اصل مهر) آن را متناسب با توان داماد در نظر گرفت.

این امر به اصل عدم سخت گیری این پیام مهم را به همه خانواده ها می رساند که در ازدواج باید بر اصل آسان گیری و رعایت توان جوانان توجه کنند رعایت همین نکات، پیوندی مستحکم میان حضرت و همسرش برقرار کرد.

2. ازدواج علی علیه السلام و فاطمه(ع)

بنابه مستندات تاریخی، اصحاب بزرگ پیام اسلام پیش از حضرت امر درصدد خواستگاری از فاطمه برآمدند، اما هر بار پیامبر(ص) به ایشان می فرمود: #171; امر ازدواج فاطمه به دست خداست، اگر بخواهد او را شوهر دهد، خود چنین می کند.» گاهی نیز می فرمود: #171; در امر ازدواج فاطمه(س) منتظر قضای الهی هستم.»

هنگامی که همه خواستگاران پاسخ رد را شنیدند، بر آن شدند که علی(ع) را به این کار تشویق کنند. علی(ع) پس از پیشنهاد بزرگان اصحاب رهسپار خانه پیامبر(ام سلمه) شد. پیامبر(ص) به ام سلمه فرمود: #171; برخیز و در را باز کن، این کسی است که خدا و رسولش او را دوست دارند.» ام سلمه پرسید: #171; او کیست که پیش از دیدار، او را می ستایی؟» پیامبر(ص) فرمود: #171; ام سلمه! او مردی است که در برابر دشواری ها، سست و ناتوان نمی گردد. او دوست، برادر، پسر عمو و محبوب ترین مردم نزد من است.»

ام سلمه در را باز کرد و علی وارد شد. با این حال، نمی توانست مطلب خود را بازگوید و چشم بر زمین دوخت. پیامبر(ص) پرسید: «آیا برای حاجتی آمده ای؟» علی(ع) لب به سخن گشود و گفت: پدر و مادرم به فدایت! مرا در دوران کودکی پروراندی و از پدر و مادر نسبت به من بیشتر محبت و مهربانی کردی و خداوند مرا به دست تو هدایت کرد. به خدا سوگند! شما ذخیره ام در دنیا و آخرت هستید. ای رسول خدا! برای خواستگاری فاطمه آمده ام. پیامبر(ص) با تبسم فرمود: خوش آمدی، پیش از تو اشخاصی دیگر آمدند و هر بار به فاطمه(س) می گفتم نشانه ناخشنودی را در چهره اش می دیدم.

آنگاه پیامبر(ص) درخواست او را با دخترش در میان گذاشت؛ اما فاطمه بخاطر شرم با سکوت به پیامبر(ص) پاسخ داد و پیامبر(ص) با خوشحالی فرمود: ««الله اکبر! سکوتها إقرارها؛« سکوت فاطمه به معنای رضایت اوست.» بدین ترتیب مراسم خواستگاری با کمال سادگی و صفا انجام گرفت و حضرت فاطمه با اندک جهیزیه ای با فاصله چند ماهی پس از عقد و با ولیمه ای ساده به خانه علی(ع) رهسپار شد.